

جنگ ایرانی های و چینی ها بزرگترین جنگ دنیای باستان

۲۰ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۵۷

جنگ ایران و چین در سال ۵۸۸ میلادی یکی از بزرگترین جنگ های دوران خودمحمسوب می شود. فرماندهی ارتش ایران را ژنرال بهرام مهران معروف به بهرام چوبین برعهده داشت که در تاریخ نظامی جهان از او به عنوان یک نابغه رزم نام برده اند.

جنگ ایران و چین در سال ۵۸۸ میلادی یکی از بزرگترین جنگ های دوران خودمحمسوب می شود. فرماندهی ارتش ایران را ژنرال بهرام مهران معروف به بهرام چوبین برعهده داشت که در تاریخ نظامی جهان از او به عنوان یک نابغه رزم نام برده اند. هرمز شاه وقت از دودمان ساسانیان، وقتی شنید که سپاه خاقان چین وارد اراضی ایران در شمال شرقی خراسان (تاجیکستان فعلی و شمال افغانستان) شده، بلخ را مرکز خود قرار داد و ژنرالهای ایران را به تشکیل جلسه ای در شهر تیسفون (مدائن نزدیک بغداد) پایتخت آن زمان ایران فراخواند و تصمیم خود را به اخراج خاقان از ایران به آنان اطلاع داد و خواست که ترتیب کار را بدهند. هرمز گفت که طبق آخرین اطلاعاتی که به ارتشتاران سالار (ژنرال اول ارتش ایران) رسیده، خاقان چین دارای ۳۰۰ هزار مرد مسلح و چند واحدفیل جنگی است. ژنرالها پس از تبادل نظر، بهرام چوبین را برای انجام این کار خطیر برگزیدند و او پذیرفت بهرام از میان ارتش پانصد هزار نفری ایران، ۱۲ هزار مرد جنگیده ۳۰ تا ۴۰ ساله (میانسال) را برگزید که اضافه وزن نداشتند و بیش از سایرین قادر به تحمل سختی بودند و در جنگ سواره و پیاده تجربه داشتند. وی به هر سرباز سه اسب اختصاص داد و با تدارکات کافی عزم بیرون راندن زردها را از امپراتوری ساسانی کرد. بهرام به جای انتخاب راه معمولی، از تیسفون به اهواز رفت و سپس از طریق یزد و کویر خود را به خراسان رساند به گونه ای که خاقان متوجه نشده بود. خاقان زمانی از این لشکر کشی آگاه شد که بهرام تنها چهار روز تا بلخ فاصله داشت، و چون شنید که بهرام با کمتر از ۱۳ هزار نفر آمده است چندان نگران نشد و با تمامی مردان قادر به حمل سلاح خود که مورخان یکصد تا سیصد هزار تن گزارش کرده اند به مقابله با بهرام شتافت. بهرام به واحدهای آتشبار (نفت اندازان) توصیه کرد که حمله را با پرتاب پیکانهای شعله ور آغاز کنند و ادامه دهند تا آرایش سپاهیان خاقان بر هم خورد و قادر به تنظیم آن هم نباشند و به سواران کماندار (اسواران) گفت که همزمان با حمله نفت اندازان با تیر چشم فیلهها را هدف قرار دهند، و در این جریان، خود با دو هزار سوار زنده قرارگاه خاقان را مورد حمله قرار داد. خاقان که انتظار حمله مستقیم به مقر خود را نداشت دست به فرار زد که کشته شد، سپاه عظیم او متلاشی گردید و پسر وی نیز بعدا به اسارت درآمد و جنگ فقط یک روز طول کشید که از شگفتی های تاریخ نظامی جهان است. بهرام چوبین در ری به دنیا آمده بود و از خانواده مهران بود. در دوران ساسانیان بهترین افسران ارتش امپراتوری ایران از فامیل مهران برخاسته بودند. هنگامی که بهرام سرگرم پس راندن خاقانیان به آن سوی کوههای پامیر و سین کیانگ امروز بود، شنید که در پایتخت، پسر شاه (خسرو پرویز) بر ضد پدرش کودتا کرده است که برق آسا خود را به تیسفون در ساحل دجله رساند. خسرو پرویز فرار کرد و به امپراتور روم پناهنده شد و بهرام تا تعیین شاه بعدی زمام امور را به

دست گرفت که پرویز فراری با دریافت کمک از امپراتور وقت روم به جنگ او آمد. قسمتی از ارتش ایران هم به پرویز پیوستند که بهرام پس از چند زد و خورد مختصر، خروج از صحنه سیاست را بر ادامه برادرکشی و قتل ایرانی به دست ایرانی که امری ناپذیرفتنی بود ترجیح داد و به خراسان بازگشت و تا پایان عمر در همانجا باقی ماند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۰۲۸/جنگ-ایران-چین-ها-ایران-جنگ/۲۲۰۲۸>